

مراحل شاخص مشاوره مسیحی
مرحله اول: آغاز کار
فصل دوم

**Critical Stages of
Biblical Counseling**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه کتاب "مراحل شاخص مشاوره مسیحی" است. این کتاب شامل بیش از سی فصل می باشد و انتشار تمام کتاب بصورت یک فایل اینترنت خردمندانه نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب، آشنائی بیشتری از مراحل عملی اجرای کلام خدا بدست آورند. شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "مقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فهرست

مقدمه

مرحله اول آغاز کار

مرحله دوم گشایش

مرحله سوم اهداف پایانی

مرحله اول

فصل دوم

مشاوره را متمرکز اساس کار نمائید

هیچ چیزی مهمتر از فضائی که مشاوره در آن انجام میگیرد نیست. منظور من آنچه بسیاری از مشاوران فکر می کنند نیست، یعنی محیطی موافق با خواست های متقاضی، بلکه محیطی است که همه چیز در آن حکایت از حضور خدا می کند. در هر کاری که می کنید، موظفید متقاضی و خدا را مقابل هم قرار بدهید. این فضا باید تراوش از احترام به خدا و کلامش کند، عزم محسوسی نسبت به خوشنود ساختن او، و رضایت نسبت به توافق با کلام، بدون تامل و طفره، ایجاد شده باشد. بعنوان مشاور مسیحی، هدف کمتری را نمی توانید داشته باشید. هر فضای دیگری جز این را نمی توان "مشاوره مسیحی" نامید(۱).

داشتن چنین هدفی در دل، یک چیز است، هر قدر که نیکو است، اما چیز دیگر ایجاد فضائی است که برای متقاضی نیز آشکار می باشد. مشاورانی هستند که تمام آنچه در اینجا راجع به هدفشان گفته ام را تصدیق می کنند، اما یا می ترسند آن را برای متقاضی خود روشن کنند(۲) یا نمی دانند چگونه آن را بجای آورند. منظور این فصل، رفع ترس از مشاوران و کمک به آنانی است که نمی دانند چگونه این فضای لازم را بوجود آورند.

ابتدا باید درک کرده باشیم که خدا فضای ما است. حتی اگر می خواستیم، نمی توانستیم از او پنهان شویم. مزمور ۱۳۹: ۱ تا ۱۸ این موضوع را بخوبی بیان می کند:

مزمور ۱۳۹

- ۱: خداوند، تو مرا آزموده و شناخته ای.
- ۲: تو از نشستن و برخاستنم آگاهی، و اندیشه هایم را از دور می دانی.
- ۳: تو راه رفتن و آرامیدنم را سنجیده ای، و با همه راههایم آشنایی.
- ۴: حتی پیش از آنکه سخنی بر زبانی آید، تو ای خداوند، به تمامی از آن آگاهی.
- ۵: از پیش و از پس احاطه ام کرده ای، و دست خویش را بر من نهاده ای.
- ۶: چنین دانشی برایم بس شگفت انگیز است، و چنان والا که بدان نتوانم رسید.
- ۷: از روح تو کجا بروم؟ از حضور تو کجا بگریزم؟
- ۸: اگر به آسمان فراروم، تو آنجایی، و اگر در هاویه بستر بگسترم، تو آنجا نیز هستی!
- ۹: اگر بر بالهای سحر پرواز کنم، و در دوردست ترین کرانه های دریا قرار گیرم،
- ۱۰: حتی آنجا نیز دست تو مرا راهنما خواهد بود، و دست راستت مرا خواهد گرفت.
- ۱۱: اگر گویم: «بی گمان تاریکی مرا پنهان خواهد کرد، و نور گردا گردم به شب بدل خواهد شد»،

۱۲: اما حتی تاریکی نیز نزد تو تاریک نیست، بلکه شب همچون روز روشن است؛ چرا که

تاریکی و روشنایی نزد تو یکسان است.

۱۳: زیرا باطن مرا تو آفریدی؛ تو مرا در رحم مادرم در هم تنیدی.

۱۴: تو را می ستایم، زیرا عجیب و مهیب ساخته شده ام؛ اعمال تو شگفت انگیزند، جان من این را نیک می داند.

۱۵: استخوانبندی ام از تو پنهان نبود، چون در نهان ساخته می شدم. آنگاه که در ژرفای زمین تنیده می شدم،

۱۶: دیدگانت کالبد شکل ناگرفته مرا می دید. همه روزهایی که برایم رقم زده شد در کتاب تو ثبت گردید، پیش از آنکه هیچ یک هنوز پدید آمده باشد.

۱۷: خدایا، اندیشه های تو در باره من چه ارجمند است! جمله آنها چه عظیم است!

۱۸: اگر بخواهم آنها را برشمارم، از دانه های شن فزونتر است. وقتی که بیدار می شوم، هنوز با تو ام.

هر جا کسی هست، خدا نیز در آنجا هست، چون او در همه جا حاضر است (حتی در یک زمان). مشاوران مسیحی این حقیقت را می دانند. اما معمولاً باید یادآور واقعیت آن شوند. این یکی از دلایلی است برای ایجاد فضائی که و مزمور گفته است. طریقی که مشاوره را انجام می دهید، جائی که کلام خدا را اقتدار حرف های خود می شمارید، و توجهی که به انجام همه چیز بر طبق فرایند های خدا می کنید، نشانه توافق شما با آنچه نویسنده مزمور گفته خواهد نمود (۱).

برای متقاضی لازم است که در چنین فضائی مشاوره مسیحی را دریافت کند. اگر چنین برداشتی را کسب کرده باشد، زندگی خود را از دیدگاه دیگران خواهد دید، و نه آنکه مشاوره چه تأثیری بر خود او یا دیگران خواهد گذاشت، بلکه چگونه خدا را خوشنود یا ناخوشنود خواهد کرد. این چیزی است که مشاوران مسیحی می خواهند بدست آورند - وضعی که موجب آن می شود که متقاضی نیاز به انجام خواست خدا را دارد، بجای آنکه کار خودش راه بی افتد (مسئله او حل شود). عموماً متقاضیان با روحیه فراغت و رهائی وارد جلسات مشاوره می شوند. اما، فضائی که خود را در جلسه مشاوره شما می بیند، بگونه ای باید باشد که او را جذب تغییری که خدا می خواهد بگردد (بجای تغییری که خود می خواهد). البته تنها فضای لازم نمی تواند چنین کاری را بکند، اما کمک بزرگی را می تواند بکند. چگونه می توان چنین فضای خدا فراگری را در جلسات مشاوره مسیحی بنا ساخت؟ من تنها چند مورد را بررسی خواهم کرد.

ابتدا، نه تنها لازم است که مشاور در ایجاد چنین فضائی کوشا بوده باشد، بلکه خود نیز آن را درون همه کاری که انجام می دهد بخواهد. گرایش های او باید مسیحی باشند. منظور این است که چنین فضائی (یا روحیه ای) را باید در اختیار آمادگی های قبل از مشاوره، آموزش و دعا های لازم برای انجام مشاوره، و نقشی که در جلسات مشاوره عهده دار می شوید، بگذارد.

سومین مورد ذکر شده را در نظر بگیرید. زبانی که بکار می برید بعنوان نمونه، باید عموماً زبانی از کلام بوده باشد - خصوصاً نه آن زبانی که نقل از فرایض انسانی می کند (روانشناسی و روانکاو). شما باید با شناختی آشنا از خدا صحبت کنید (نباید مانند بعضی افراد بیم زبان آوردن به آن را داشته باشید). این زبان نیز از طرفی، نشان خواهد داد که تمایل شما بیشتر به آنچه خدا

می‌کند است تا آنچه خود انجام می‌دهید. باید سعی و کوشش شما در راهی باشد که خدا را در زندگیش پیدا کند، نه خود را. چنین حرف‌هایی را خواهید زد، ”خوب حالا میبینید که خدا نظرش راجع به این موضوع چیست؟“، بجای ”من فکر می‌کنم این موضوع چنین است...“ سعی کنید در خصوص هر موضوعی (در صورت امکان)، آیات مربوط به آن را در دسترش متقاضی قرار بدهید (افکار، عقاید، تکالیف، و غیره). اما تذکر باید بدهم که بکار گرفتن آیات کلام خدا نباید بخاطر بحق شناسی افکار و عقاید خودتان انجام شود (که یقیناً منجر به تحریف معنی آن‌ها خواهد شد)، بلکه این آیات زمینه افکار و عقاید شما را تشکیل داده باشند. شما آنگاه خواهید توانست آیات را برای متقاضی ”باز“ کرده رابطه آن را با موضوع ویژه او نشان داده و در زندگی او به جریان می‌گذارید. شما باید پیشرو و قاصد خدا باشید، مأمور از جانب خدا در جلسات مشاوره فرزندان خدا. نتیجتاً، باید تایید کنید که روح القدس مشاور حقیقی است که از طریق کار برد کلامش میوه خدا را بار می‌آورد. به عبارت دیگر، فضای مشاوره مسیحی جلال را بطور دائم به خدا و کلامش می‌دهد.

اما علاوه بر تمام آنچه راجع به جلسه اول گفته شد، باید فضای عملکرد را نیز افزود. برای خدا باید کارهای زیادی را انجام داد، و طریقی که در مشاوره بکار می‌برید نیز گویای آن باید بوده باشد. مواظب باشید مشاوره تبدیل به درد دل‌های مکرر و ”گپ“ زدن نشود. مشاوره مسیحی است، و کلام خدا را بکار می‌برد، و نتیجتاً از اهمیت خاصی برخوردار است. خواست خدا باید اجرا گردد. البته منظور این نیست که نمی‌توان خنده و شوخی را داشت، و از خدا بخواهید آن را نیز شامل مشاوره خود بکند. اما خنده و شوخی تنها برای نشان دادن اهمیتی باشد که موضوع دارد. به هر حال، باید در مسیر کلام ماند.

مشاوران مسیحی عموماً از پشت میز مشاوره می‌کنند، و نه کنار متقاضی نشسته‌گویی خیال‌حال و احوال پرسى را دارد. آنها قلم، کاغذ، و کتاب‌های خاصی را در دست رس خود دارند، و از آنها استفاده نیز می‌کنند. موضوع این است که آمادگی مشاور برای انجام کار را ابراز می‌دارد. همه چیز نشانه‌کاری است که باید افشا شده و انجام گیرد. جلسات مشاوره باید به مرحله انجام کار برسد.

عنصر دیگر از فضای لازم، امیدی است که ایجاد می‌نماید. شما حق آن را دارید انتظار بسیار خوبی از آنچه خدا در زندگی متقاضی می‌کند داشته باشید. این روحیه شما نیز قطعاً تأثیر مثبت بر متقاضی خواهد داشت. در حقیقت، متقاضیان قدرت عجیبی را در شناخت امیدی که در مشاوره هست را دارند.

نه تنها لازم است مشاور امید را از طریق گشایش وعده‌های خدا پرورش دهد، باید خود اعتقاد به آن‌ها نیز داشته باشد. هیچ‌کس دیگری نیست بجز مشاور مسیحی که توانائی دادن چنین امیدی را داشته باشد. تنها او است که می‌داند وقتی متقاضی خود را با کلام وفق بدهد، وعده‌های خدا در زندگیش به ثمر می‌رسد. در حقیقت او می‌تواند تعهد و ضمانت کند که وقتی خواست خدا را انجام می‌رسانند، وعده‌های خدا نیز نسبب آنها خواهد شد. علاوه بر این، می‌دانند که با بکار بردن کلام خدا و توکل به روح القدس، هر مسئله‌ای را می‌توان از طریق خدا حل کرد (توجه داشته باشید که نگفتم ”از طریق متقاضی“ حل کرد). این انتظار عالی است که می‌توان داشت. خود را به یاد همه این چیزها بی‌اندازید تا انتظارتان نیز برانگیخته شود. اگر چنین نکنید، اشکالی در کار موجود است. به یاد داشته باشید که هر جلسه احتیاج به تشویق و جلب اشتیاق زیاد برای خدا دارد. اگر چنین نکنید، شاید خود نیاز به مشاوره دارید.

من سعی کرده‌ام تا اینجا آن فضای لازم برای جلسه اول را نشان بدهم تا خود ببینید چه فرق بزرگی را می‌تواند داشته باشد. جناب مشاور مسیحی، آیا تا بحال راجع به این چیزها فکر کرده

اید؟ اگر نه، پس بهتر است از همین حال شروع کنید. اما با یک هشدار: اطمینان حاصل کنید همه آنچه صحبت از آن شد را در دل داشته باشید. مشاوره مسیحی را نمی توان به گونه مکانیکی شکل و سوار بر هم کرد. با انسان است که سر و کار دارد، که شخص عمده آن خدا است! خدا است که ارتباط و نزدیکی را توسط کلامش بوجود می آورد. تصمیماتی که گرفته می شود، برداشت هائی که بدست می آید، و اعمالی که انجام می گردند، همه باید از دل هدایت شوند. مشاور و متقاضی باید توجه داشته باشند که خدا با مشاوره مسیحی شوخی ندارد، چون فرزند خود را می بیند که دست به او دراز کرده انتظار او را می کشد. وقتی آنچه تا بحال خوانده اید را بخاطر بسپارید و از خدا بخواهید بکار بی اندازد، مشاور خوبی برای متقاضی خود خواهید بود.

فهرست زیر نویس های فصل دوم

(۱) البته این کار را برای نمایش نمی کنید! بلکه تخمی است که خدا از طریق شما کشت می دهد و در نتیجه باید صداقت را داشته باشید.